

# بررسی سن کودک و آثار حقوقی آن از منظر اسناد بین‌المللی<sup>۱</sup>

مهدی عباسی سرمدی<sup>۲</sup>

عهدیه زنگی اهرمی<sup>۳</sup>

## چکیده

ماده یک کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، ۱۸ سالگی را مرز میان کودکی و بزرگسالی می‌داند. در عین حال به کشورهای عضو اجازه می‌دهد سن کمتری را در تعریف کودک اعمال کنند. استثناهایی نیز در برخی از مواد، نظیر ماده ۳۷ در خصوص مسئولیت کیفری وجود دارد که مجازات اعدام و حبس ابد بدون امکان آزادی را در مورد اشخاص کمتر از ۱۸ سال، مجاز نمی‌داند. ماده ۳۸ در مورد ممنوعیت کشورها در استخدام و به کارگیری افراد کمتر از ۱۵ سال در مخاصمات مسلحانه نیز از همین قبیل است که در آن‌ها سن خاصی برای کودک در نظر گرفته شده است و کشورها ملزم به رعایت آن شده‌اند. پرسش اساسی در مقاله حاضر این است که چه معیاری به عنوان سن کودک باید مبنای عملکرد دول عضو قرار گیرد؟ مطابق رویه حاکم در جامعه بین‌المللی، سن کودک ۱۸ سال است؛ اما با توجه به ابهامات موجود، لازم است این مسأله و ارتقای وضع حقوقی کودک تبیین شود تا علاوه بر رفع این ابهامات، در خصوص وضعیت حقوقی سن کودک و شرایط حقوقی حاکم بر آن مانند مسائل مربوط به اشتغال کودکان، ازدواج، شرکت در مخاصمات مسلحانه و مسئولیت کیفری مورد بررسی قرار گیرد.

## واژگان کلیدی

کودک، سن، بلوغ، رشد، اسناد بین‌المللی، کنوانسیون حقوق کودک

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۵/۲۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۱۵

۲- دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول) Ma.sarmadi@yahoo.com

۳- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز  
ah\_zangi@yahoo.com

## مقدمه

نخستین سندی که در آن، تعریف دقیقی از کودک ارائه شده است، کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ می‌باشد که در ماده یک آن منظور از کودک هر انسان کمتر از ۱۸ سال سن است، مگر آن‌که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتری تعیین شده باشد.<sup>۱</sup>

بنابراین کنوانسیون در تعریف کودک معیار سن را ملاک عمل قرار داده و از واژه (child) که مفهوم کودک را تداعی می‌کند استفاده کرده است.

پس از کنوانسیون ۱۹۸۹ تلاش‌های فراوانی در راستای تبیین مفهوم کودک و همچنین رعایت غبطه و مصلحت کودک انجام گرفت که از آن جمله می‌توان به مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی مصوب ۱۹۹۰ اشاره کرد. در بند الف بخش دوم شماره یک مقررات مزبور، نوجوان هر شخص کمتر از ۱۸ سال است نباید کمتر از این سن، اجازه داد کودک از آزادی محروم شود، مگر آن‌که قانون تعیین کرده باشد.<sup>۲ و ۳</sup>

پس از سال ۱۹۹۰ سند دیگری نیز تدوین گردید که به مسأله سن اشاره دارد. از جمله، مقاوله‌نامه بدترین اشکال کار کودکان مصوب ۱۹۹۹، که در ماده دو خود به صراحت اعلام می‌دارد: اصطلاح کودک (child) در مورد کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال به کار برده می‌شود (Greenbaum, 2006, P. 358).

در سال ۲۰۰۰ پروتکل منضم به کنوانسیون حقوق کودک درباره به کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه<sup>۴</sup> در مقدمه اظهار می‌دارد: بر اساس حکم دادگاه بین‌المللی جنایی رم، ثبت نام و سربازگیری کودکان زیر ۱۵ سال، استفاده از آن‌ها به منظور شرکت در فعالیت‌های خصمانه در مناقشات بین‌المللی و غیر بین‌المللی در زمره جنایت جنگی محسوب

1- convention on the rights of the child (20 november 1989) (un.org)

۲- البته در اصل سند از واژه (juvenile) استفاده شده، که با (child) متفاوت است.

3- United nations rules for the protection of juveniles deprived of their liberty (14 december 1990) (un.org)

4- armed conflict

می‌شود؛ هر چند این سن، در پروتکل مورد نظر افزایش یافته است.

در سال ۲۰۰۵ اعضای کنفرانس سران اسلامی در صنعا، میثاق اسلامی حقوق کودک را به رشته تحریر در آوردند که در ماده یک آن، کودک به هر انسانی گفته می‌شود که از نظر قانون قابل اعمال در مورد وی، به سن بلوغ نرسیده باشد (مصفا و داور، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳)!

## بیان مسأله

سؤال اصلی مقاله حاضر این است که: چه معیاری به عنوان سن کودک می‌تواند ملاک عمل قرار گیرد و آثار این معیار در جامعه بین‌المللی چه خواهد بود؟ آیا سن ۱۸ سال می‌تواند به عنوان اصلی‌ترین معیار، تمام اهداف حقوق بشر دوستانه جامعه بین‌المللی را در مورد کودکان تأمین نماید؟

با توجه به اصل حاکمیت اراده، در تعیین سن کودک، اصل بر آزادی کشورهاست که در کنوانسیون حقوق کودک نیز به آن اشاره شده است؛ لیکن معیار ۱۸ سالگی که در کشورهای اعمال می‌شود که قانونشان در مورد سن کودک ساکت است. همچنین استثناهایی وجود دارد که کشورها ملزم به رعایت آن هستند و در پاره‌ای موارد ایجاد مشکل می‌کند. در نهایت استفاده از این معیار و عدم توجه به معیار کشورهای اسلامی که بیش از یک چهارم کودکان جهان را در خود جای داده‌اند، نمی‌تواند اهداف جامعه جهانی را پوشش دهد؛ لیکن ۱۸ سال فلسفه‌ای دارد که ذیلاً توضیح داده می‌شود.

در فلسفه تعیین سن به عنوان معیاری که کودک را از بزرگسال تفکیک می‌کند و این‌که چرا ۱۸ سالگی اماره رشد محسوب می‌شود، به نظر می‌رسد هدف مقنن جلوگیری از اعمال سلیقه کشورها در تعیین این معیار و نیز عدم واگذاری این مسأله به علم قضات در جهت حفظ مصلحت کودک به عنوان یکی از مهم‌ترین اهداف جامعه بین‌المللی بوده است؛ زیرا اگر معیاری به غیر از سن به عنوان تشخیص کودکی مد نظر قرار می‌گیرد، به علت بی‌ثباتی و متغییر بودنش نمی‌توانست هدف جامعه جهانی<sup>۲</sup> را مبنی بر حمایت از

۱- لازم به ذکر است سند مزبور جهت امضای کشورها مفتوح می‌باشد و تاکنون لازم‌الاجرا نگردیده است.

2- international community

کودکان، جامه عمل بپوشاند. لذا تعیین سن، به عنوان یک معیار ثابت لازم است تا مصلحت کودکان هر چه بیشتر رعایت شود. عناوین فرعی که با استفاده از آنها در پژوهش حاضر به دنبال اثبات فرضیه خود هستیم، عبارتند از: مفهوم کودک، بلوغ، رشد، مسئولیت کیفری، شرکت در مخاصمات مسلحانه، اشتغال کودکان، و سن ازدواج آنان.

## مفهوم‌شناسی مصطلحات

### مفهوم کودک با توجه به معیار سن

#### ۱- از دیدگاه اسناد بین‌المللی

در فرهنگ حقوقی آکسفورد تعریف دقیق و قطعی از کودک وجود ندارد؛ این اصطلاح گاه در مورد اشخاص زیر ۱۴ سال، زیر ۱۶ سال و در پاره‌ای موارد درباره اشخاص زیر ۱۸ سال استفاده می‌شود که هر مورد بستگی به قانون حاکم بر آن دارد؛ سپس به فعالیت‌های سال ۱۹۸۹ در مورد کودک و قانون خانواده ۱۹۹۶ اشاره شده است که کودک را فرد زیر ۱۸ سال می‌داند (Martin, 2006, P.86).

اما در مورد تعریف اصطلاحی کودک باید به اسناد بین‌المللی مربوط به آن مراجعه کرد:

ماده یک کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ مقرر می‌دارد: (کودک، هر انسان دارای کمتر از ۱۸ سال سن است، مگر آن‌که طبق قانون قابل اعمال در مورد کودک، سن قانونی کمتر تعیین شده باشد). همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، ماده فوق به شروع کودکی اشاره نکرده و تنها پایان کودکی را به عنوان مرز بین کودکی از بزرگسالی تعیین کرده است. البته در طرح پیشنهادی لهستان، شروع کودکی از لحظه تولد بیان شده بود که به نظر می‌رسید جوازی برای سقط جنین در اروپا بود که منجر به بروز اختلافاتی شد. لذا به دلیل اختلاف نظرهای موجود، در مرحله پایانی تصویب کنوانسیون، مجمع عمومی سازمان ملل متحد فقط به پایان کودکی در تعریف کودک تصریح نمود (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۴۲).

نکته دیگری که در خصوص ماده فوق حائز اهمیت است، این‌که کنوانسیون، سن بلوغ

و رشد را تفکیک نکرده و ۱۸ سالگی را سنی می‌داند که شخص در آن اهلیت استیفای کلیه حقوق خود را دارا می‌شود. هر چند در اکثر ترجمه‌های موجود واژه «Majority» به کار رفته در ماده یک به معنای بلوغ است. اما باید گفت مبانی کشورهای غیراسلامی و به ویژه کنوانسیون بر اساس مفهوم رشد پایه ریزی شده و بلوغ در تعریف کودک جایگاهی ندارد و ترجمه «Majority» به سن قانونی صحیح تر به نظر می‌رسد.

همچنین از قید «مگر آن‌که» در ماده مذکور در می‌یابیم که کشورهای عضو می‌توانند سن خاصی را در تعریف کودک و نیز اجرای قانون قابل اعمال بر وی، به رسمیت بشناسند. بنابراین، دول عضو می‌توانند سن دیگری مثل ۱۵ سالگی را مبنای سن قانونی کودک در قلمرو سرزمینی خود تعیین نمایند.

در قوانین دیگر نیز ۱۸ سالگی به عنوان معیاری که شخص توانایی پذیرش مسئولیت خود را دارا می‌شود، بیان شده است؛ به عبارت دیگر، ۱۸ سالگی سنی است که بعد از آن نمی‌توان به دلیل فقدان اراده و اختیار فرض مسئولیت را در مورد اشخاص نادیده گرفت.

بند پنج ماده شش میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ می‌گوید: حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از ۱۸ سال صادر نمی‌شود.<sup>۱</sup> قسمت الف شماره یک بخش دوم از مقررات سازمان ملل متحد برای حمایت از نوجوانان محروم از آزادی مصوب ۱۹۹۰، نوجوان را هر شخص زیر ۱۸ سال می‌داند و این سنی است که نباید اجازه داد کودک کم سن‌تر از آن، از آزادی محروم شود.<sup>۲</sup>

در ماده دو مقاوله‌نامه بدترین اشکال کار کودکان مصوب ۱۷ ژوئن ۱۹۹۹ نیز اصطلاح کودک در مورد کلیه اشخاص زیر ۱۸ سال به کار برده شده است.

همچنین ماده یک پروتکل اختیاری منضم به کنوانسیون حقوق کودک درباره به کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه مصوب ۲۰۰۰ مقرر می‌دارد: «کشورهای عضو

1-International covenant on civil and political rights (16december 1966) (un.org)

2-United nations rules for the protection of juveniles deprived of their liberty(14 december1990)(un.org)

همه گونه اقدام لازم را به عمل خواهند آورد تا اطمینان حاصل کنند که هیچ یک از افراد زیر ۱۸ سال نیروهای مسلح آنها در درگیری‌های مسلحانه شرکت مستقیم ندارند<sup>۱</sup>. با توجه به تأکید قوانین بر ۱۸ سالگی به نظر می‌رسد، شخص در این سن دارای توانمندی‌هایی می‌شود که نشان دهنده تکامل ذهنی<sup>۲</sup> و جسمی<sup>۳</sup> وی است. علاوه بر معیار سن برای تشخیص کودک از بزرگسال، معیار دیگری وجود دارد که از آن به بلوغ یاد می‌شود و بیشتر در کشورهای اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سازمان کنفرانس اسلامی در ژوئن سال ۲۰۰۵ در صنعا یمن میثاق حقوق کودک در اسلام را تصویب کرد که در ماده یک خود، کودک را چنین تعریف می‌کند: «کودک هر انسانی است که بر اساس قانون قابل اعمال در مورد وی به سن بلوغ نرسیده باشد». سند مذکور تا کنون لازم‌الاجرا نشده است؛ لکن بررسی معیار فوق به دلیل آن که حدود ششصد میلیون تن از دو میلیارد کودک جهان، یعنی بیش از یک چهارم آنها، در کشورهای اسلامی به سر می‌برند (مصفا و داور، ۱۳۹۱، ص ۱۹)، دارای اهمیت فراوانی است که در مباحث بعدی مفصلاً به بیان آنها می‌پردازیم.

## ۲- از دیدگاه نظام حقوقی ایران

در حقوق ایران، با توجه به ماهیت اسلامی بودن قوانین و تأثیر مستقیم فقه امامیه در آن، قانونگذار در تبیین مفهوم کودک و سن بلوغ به نظر فقهای امامیه گرایش داشته و در تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن کودک را سن بلوغ دانسته است که در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است همچنین در بخش چهارم از فصل دوم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در باب موانع مسئولیت کیفری، در ماده ۱۴۷، حکم تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ ق. م. درباره سن بلوغ را مورد تأکید قرار داده است.

1- Optional protocol to the convention on the rights of the child on the involvement of children in the armed conflict(25 may2000)(un.org)

2- mental

3- physical

### ۳- از دیدگاه جامعه اسلامی

**الف- دیدگاه فقه امامیه:** بر اساس نظر مشهور فقهای امامیه، سن بلوغ پسر ۱۵ سال تمام قمری و دختر ۹ سال تمام قمری است (حلی، ۱۴۰۸ هـ ج ۲، ص ۸۵؛ خوئی، ۱۳۹۷ هـ ج ۲، ص ۱۹۷؛ موسوی الخمینی، ۱۳۶۳ هـ ج ۲، ص ۱۲ مسأله ۳). به علاوه، در معدودی از روایات و آرای فقهی، سن بلوغ ده سالگی و هشت سالگی ذکر شده است که فقها آن را بر صلاحیت کودک به برخی اعمال حقوقی، مانند وصیت حمل کرده‌اند، نه بر بلوغ (سبحانی، ۱۴۱۸ هـ ج ۱، ص ۳۲). تنها اختلافی که در میان نظرات آنان مشاهده می‌گردد، این است که برخی ابتدای این سنین را شروع سن بلوغ، و برخی دیگر انتهای این سنین را شروع سن بلوغ می‌دانند.

**ب- دیدگاه فقه اهل سنت:** در مذهب شافعی و حنبلی، سن بلوغ در دختر و پسر اتمام پانزده سال قمری و در مذهب مالکی اتمام هفده سالگی می‌باشد (طوسی، ۱۴۰۷ هـ ج ۳، ص ۲۷۳) و حنفی‌ها سن بلوغ را در دختر و پسر اتمام پانزده سال تمام قمری می‌دانند. تنها ابو حنیفه است که سن بلوغ را در دختران هفده و در پسران هفده یا هجده سال تمام قمری می‌داند (جزیری، ۱۴۰۴ هـ ج ۲، ص ۳۵۰). برخی منابع اهل سنت برای دوره بلوغ فاصله سنی خاصی مطرح کرده‌اند؛ بدین ترتیب که سنین یاد شده را انتهای دوره بلوغ، و دوازده سالگی را در پسران و نه سالگی را در دختران ابتدای آن دانسته‌اند و کودک را در این فاصله سنی «مُراهق» نامیده‌اند (زحیلی، ۱۴۰۹ هـ ج ۵، ص ۴۲۳).

با توجه به مباحث گذشته می‌توان گفت که عمده‌ترین دلیل تفاوت آرای فقها با موضوع کنوانسیون در رابطه با تعیین سن کودک، این است که فقها در تعیین مفهوم سن کودک به بلوغ توجه داشته‌اند و معیار بلوغ را مدنظر قرار داده‌اند؛ در حالی که در تعیین معیار سن کودک در اسناد بین‌المللی معیار بلوغ، محلی از اعراب ندارد و گویا اصلاً چنین اصطلاحی را مورد شناسایی قرار نداده‌اند و تنها معیار برای تعیین سن کودک را، رشد دانسته‌اند که اصطلاحی کاملاً متفاوت از بلوغ محسوب می‌شود. حال با توجه به نقش پررنگ مفاهیم بلوغ و رشد در تعیین معیار سن کودک لازم است، این دو مفهوم به تفصیل بررسی شوند:

**- بلوغ:** بلوغ از ریشه «بلغ» به معنای رسیدن است، و مرحله‌ای است که موجود زنده به حد رشد کامل می‌رسد (عمید، ۱۳۸۸، ص ۲۱۷)، برخی بلوغ را رسیدن طفل به حال احتلام

در مرد و حمل در زن می‌دانند (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۳).

در اصطلاح، بلوغ زمانی است که قوای جنسی صغیر رشد و نمو می‌یابد و آماده برای توالد و تناسل می‌گردد و آن امری طبیعی است (انصاری، ۱۳۹۲، ص ۷۳).

صاحب جواهر نیز بلوغ را امری طبیعی می‌داند که در پی آن، از نظر جسمی و تکوینی تغییراتی در انسان ایجاد شده، آن عقل تقویت می‌شود. در واقع، بلوغ واسطه انتقال از دوران کودکی به کمال و بزرگسالی است (نجفی، ۱۴۰۴ هـ ج ۲۶، ص ۴).

اما ظهور بلوغ از نظر شارع منوط به محقق شدن علایم و نشانه‌های آن است که عبارتند از:

اول - احتلام؛ دوم - روییدن موهای خشن بر عورت؛ سوم - رسیدن دختر به ۹ سالگی و پسر به ۱۵ سال تمام قمری (اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۲۱). فقهای امامیه در موارد سه گانه فوق اتفاق نظر دارند؛ اما نظر فقهای اهل تسنن در این زمینه متفاوت است.

مذاهب حنبلی و شافعی معتقدند که کودکان با رسیدن به ۱۵ سالگی تمام، از طفل بودن خارج می‌شوند و پا به عرصه بزرگسالی می‌گذارند؛ مشروط بر این‌که قبل از این سن احتلام، حیض و انبیا اتفاق نیفتاده باشد.

در مذهب مالکی، بلوغ با نشانه‌هایی همچون؛ انزال، قاعدگی، روییدن موهای زبر زهار، بوی نامطبوع زیر بغل، باز شدن اطراف بینی و کلفت شدن صدا محقق می‌شود و اگر هیچ یک از اینها رخ ندهد، کودکی با اتمام ۱۸ سالگی به پایان می‌رسد.

مذهب حنفی، بلوغ پسران را با احتلام و دختران را با قاعدگی می‌شناسد و حداقل سن بلوغ را در پسر ۱۲ سال و در دختر نه سال می‌داند؛ البته بلوغ سنی را در صورت عدم تحقق بلوغ طبیعی می‌پذیرد (بیوندی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳).

نکته دیگری که در مورد بلوغ حائز اهمیت است، عرفی بودن مفهوم بلوغ است. در واقع، بلوغ در لسان قرآن و روایات به عنوان اصطلاحی مستقل و دارای حقیقت شرعی، نیامده است؛ بلکه از جمله الفاظ عرفی است و معنای لغوی آن منظور شارع بوده است. در این باره صاحب تفصیل الشریعه، صاحب جواهر و صاحب عناوین، هر سه عرفی بودن معنای بلوغ را تأیید می‌کنند. این مسأله از معنای لغوی بلوغ که رسیدن به مرحله‌ای از تحول جسمی، است



نیز مستفاد می‌گردد و بیان شارع در مورد مفهوم بلوغ در جهت فهم بهتر این موضوع عرفی بوده است. تأثیر اختلاف مناطق و افراد بر بلوغ نیز تأییدی بر نظر فوق می‌باشد (پوندی، ۱۳۹۰، ص ۶۶).

- **رشد:** از نگاه اسلام صرف رسیدن کودک به مرحله بلوغ کافی نیست؛ بلکه شرط دیگری لازم است که به آن رشد می‌گویند. رشد در لغت به معنای هدایت است و آن حالتی در انسان است که مانع از تزییع مال و صرف آن در راه‌های غیر عقلایی می‌شود (لباف، ۱۳۸۵، ص ۳۰) فرهنگ عمید رشد را به معنای به راه راست شدن یا از گمراهی به راه آمدن می‌داند (عمید، ۱۳۸۸، ص ۵۱۱).

قرآن مجید در مورد کودکان بی‌سرپرست که دارای ثروت هستند، این اصطلاح را به کار برده، می‌فرماید: ... حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم؛ «برای آن‌که ثروتشان را در اختیارشان قرار دهید، رسیدن به بلوغ نکاح (بلوغ جنسی) کافی نیست؛ زمانی که رشد در آن‌ها احساس شد، می‌توان ثروت را در اختیارشان قرار داد» (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶۴۳). اما اصطلاح رشد در مفهوم عام یعنی این‌که انسان شایستگی و لیاقت اداره و نگهداری و بهره‌برداری یکی از سرمایه‌ها و امکانات مالی یا معنوی را که به او سپرده می‌شود، داشته باشد. رشد در بیشتر موارد به معنای حقوقی به کار رفته است. رشد حقوقی در دو مفهوم عام و خاص بررسی می‌شود. رشد حقوقی به معنای عام، توانایی شخص برای حفظ و اداره اموال است که از آن به عقل معاش نیز تعبیر می‌شود. این تعریف مورد پذیرش فقهای شیعه قرار گرفته است. بیشتر فقهای اهل سنت از جمله مالکیه و حنفیه نیز این تعریف را پذیرفته‌اند. اما رشد حقوقی به معنای خاص در مورد فردی به کار می‌رود که علاوه بر حفظ اموال، از نظر اخلاقی نیز از عدالت برخوردار باشد. برمبنای این نظریه، هر گاه شخص فاقد یکی از دو شرط باشد، محجوریت مالی او همچنان باقی است (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۷۵، ص ۱۸۳). علاوه بر مفهوم حقوقی، رشد دارای مفهوم کیفی نیز می‌باشد؛ در اصطلاح کیفی از رشد تحت عنوان عقل و توانایی فکری یاد می‌شود. در این مفهوم، برخی فقها عقل را در مقابل جنون و برخی دیگر علاوه بر این، عقل را در مقابل سفاهت نیز می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۶۴۳).

## آثار مسأله سن و مباحث پیرامون آن

یکی از مسائل مهمی که در مقوله سن دارای اهمیت است، آثار ناشی از آن می‌باشد. این آثار به دلیل تأثیر فراوانی که بر حقوق کودک دارند، نیازمند بررسی دقیق هستند که ذیلاً به شرح آن می‌پردازیم:

### ۱- حداقل سن مسؤولیت کیفری

حداقل سن مسؤولیت کیفری به دلیل تاریخ‌ها و فرهنگ‌های گوناگون در هر کشور متفاوت است؛ اما این‌که چه معیاری می‌تواند برای تعیین این سن مدنظر قرار گیرد، جای سؤال است؟

بخش چهارم حداقل مقررات مطلوب سازمان ملل متحد برای اداره تشکیلات قضایی مربوط به نوجوانان مصوب ۱۹۸۵ معتقد است در نظام‌های حقوقی سن مسؤولیت کیفری برای نوجوانان نباید به اندازه‌ای پایین تعیین شود که کودک به دلایل عاطفی، ذهنی و حتی بلوغ، فکری توانایی درک مفهوم مسؤولیت را نداشته باشد. یعنی از نظر روان‌شناختی فرد باید در مرحله‌ای باشد که بتواند برای رفتارهای اجتماعی خود مسؤولیت قائل شود<sup>۱</sup>.

ماده ۳۷ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ به صراحت اعلام می‌دارد: «مجازات اعدام و حبس ابد بدون امکان آزادی را نمی‌توان در مورد کودکان زیر ۱۸ سال اعمال کرد». هر چند با توجه به دلایل مطرح شده کنوانسیون در ماده یک خود به کشورها در تعیین سن کودک آزادی عمل داده است، اما سن مسؤولیت کیفری کودکان از جمله مواردی است که به دلیل اهمیت و حساسیت موضوع آن، کنوانسیون کشورها را در این خصوص محدود کرده و خود مبادرت به تعیین سن مسؤولیت کیفری نموده است.

یکی از مهمترین سؤالاتی که در مورد ماده فوق مطرح می‌شود، این است که آیا مقصود مقنن از عبارت «نمی‌توان... اعمال کرد» در ماده مذکور تنها اشاره به مرحله اجرای حکم دارد یا آن‌که صدور حکم را نیز شامل می‌شود؟ برای پاسخ به این سؤال رجوع به نسخه

1-United Nations standard minimum rules for the administration of juvenile justice (29november 1985) (un.org)

اصلی کنوانسیون ضروری است.

در متن انگلیسی و فرانسه کنوانسیون از واژه «imposed» و «imposê» استفاده شده است. این واژه در بند پنج ماده شش میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ در مورد حکم اعدام نیز به کار رفته است که مقرر می‌دارد: حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از ۱۸ سال «shall not be imposed» صادر نمی‌شود و در مورد زنان باردار اجرا نمی‌گردد «shall not be carried out».

همان‌طور که مشاهده می‌شود توجه قانونگذار در بند پنجم ماده ششم میثاق حقوق مدنی و سیاسی، عدم صدور حکم اعدام در مورد جرایم ارتكابی اشخاص کمتر از ۱۸ سال است؛ زیرا اگر می‌خواست همانند بخش دوم ماده از عبارت: «shall not be carried out» به معنای عدم اجرا استفاده می‌کرد.

بنابراین به نظر می‌رسد واژه «imposed» در انگلیسی و «impos» در فرانسه به مرحله صدور حکم اشاره دارد و به طریق اولی عدم اجرای حکم را نیز شامل می‌شود. هر چند ماده مذکور از کلمه اشخاص<sup>۱</sup> استفاده کرده است و اشاره‌ای به کودک ندارد، به هر حال به نظر می‌رسد که از دیدگاه حقوق بین‌الملل، ۱۸ سالگی یک استاندارد پذیرفته شده در خصوص سن مسئولیت کیفری است. لذا کشورهای عضو در راستای رعایت مفاد کنوانسیون مزبور، موظف به تطبیق قوانین و مقررات داخلی خود با آن هستند و در صورت مشاهده هر گونه تعارض باید آن را اصلاح کنند.

## ۲- حداقل سن شرکت در مخاصمات مسلحانه

مهمترین سندی که به حمایت از افراد در مخاصمات مسلحانه می‌پردازد، کنوانسیون چهارم ژنو مصوب ۱۹۴۹ است که در خصوص سن شرکت در مخاصمات مسلحانه سخنی به میان نیاورده است. اما بند دو ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی به آن بیان می‌دارد: «طرف‌های مخاصمه همه گونه اقدام ممکن را به عمل خواهند آورد تا کودکانی که به سن ۱۵ سالگی نرسیده‌اند، به طور مستقیم در مخاصمات شرکت نکنند. ماده مذکور به دلیل

1- persons

وجود قیدهای اقدامات ممکن و به طور مستقیم، دست کشورها را جهت به کارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه باز گذاشته است. همچنین تبصره ج بند سه ماده چهار پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون مذکور اظهار می‌دارد: «کودکانی که به سن ۱۵ سالگی نرسیده‌اند، نباید به استخدام نیروها یا گروه‌های مسلح درآیند و اجازه داد، شوند که در منازعات شرکت کنند» (سیاه رستمی، ۱۳۹۰، ص ۴۰۸). همان طور که ملاحظه می‌شود، ماده فوق در مقایسه با پروتکل قبل، کامل‌تر گردیده و صراحتاً شرکت کودکان زیر ۱۵ سال را در مخاصمات مسلحانه، اعم از شرکت مستقیم یا غیرمستقیم، منع کرده است.

اقدام دیگر در این زمینه، تصویب کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹ است که در بند دو ماده ۳۸ کشورها را ضامن انجام هر گونه اقدام عملی می‌داند که از شرکت مستقیم افراد کمتر از ۱۵ سال در مخاصمات جلوگیری نماید.

انتظار می‌رفت پس از پروتکل‌های یاد شده قدم‌های بعدی در جهت حمایت از کودکان، وضعیت مساعدتری را رقم زند؛ اما کنوانسیون حقوق کودک همان ضعف‌های موجود در پروتکل اول را داراست. البته با تصویب پروتکل الحاقی به این کنوانسیون درباره به کارگیری کودکان در مناقشات مسلحانه در سال ۲۰۰۰ ضعف‌های موجود جبران شده است (اربابیان، ۱۳۹۱، ص ۱۸۸).

در این پروتکل، تدوین‌کنندگان سعی کرده‌اند کشورهای عضو را به افزایش سن سربازگیری<sup>۱</sup> دعوت کنند (داشاپ، ۱۳۸۶، ص ۱۶۱). به طوری که در ماده یک پروتکل حاضر، کشورها موظف هستند اقدامات لازم را جهت عدم شرکت مستقیم افراد زیر ۱۸ سال در نیروهای مسلح خود به عمل آورند. همچنین مطابق ماده دو، کشورها متعهد می‌شوند افراد زیر ۱۸ سال را به طور اجباری به خدمت در نیروهای مسلح خود در نیاورند. علاوه بر این، پروتکل به افزایش سن سربازگیری اختیاری مطابق بند سه ماده ۳۸ کنوانسیون حقوق کودک توصیه کرده، در جای دیگر نیز به کشورها می‌گوید باید دستورالعمل‌های یاد شده در بند سه ماده سه این پروتکل را در صورت سربازگیری داوطلبانه در نیروهای مسلح خود رعایت کنند.

یکی دیگر از اسنادی که به افزایش سن سربازگیری اشاره دارد، اصول کیپ تاون مصوب ۱۹۹۷ است. این سند که در سه محور اصلی از جمله پیشگیری از استخدام و به کارگیری کودکان سرباز، خلع سلاح کودکان سرباز و یا مرخص کردن آنان، بازگردانی کودکان به کانون خانواده و جامعه مسأله کودکان سرباز را مورد بررسی قرار داده، اکیدا سربازگیری از میان افراد زیر ۱۸ سال را منع کرده (داشب، ۱۳۸۶، ص ۱۵۴) و معتقد است که کلیه افراد زیر ۱۸ سال باید از نیروهای مسلح رسمی و غیررسمی مرخص شوند لذا اصول کیپ تاون در مقایسه با سایر اسناد، بیشترین جنبه حمایتی را از کودکان سرباز داراست.

دیوان کیفری بین‌المللی در اساسنامه خود بسیج اجباری یا داوطلبانه کودکان زیر ۱۵ سال در نیروهای مسلح ملی یا به کار گرفتن آنان برای مشارکت فعال در کارهای جنگی را در زمره جنایات جنگی می‌داند (ماده هشت)<sup>۱</sup>. همچنین مقاله نامه ۱۸۲ سازمان کار یکی از بدترین اشکال کار کودکان را بکارگیری آنان در جنگ می‌داند (ماده سه). از نظر این مقاله نامه، کودک، شخص زیر ۱۸ سال است (ماده دو).

متأسفانه علی‌غم حمایت‌های بسیار در خصوص کودکان سرباز، همواره شاهد گسترش این پدیده هستیم. اهمیت این مسأله تا جایی است که شورای امنیت از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴، ده قطعنامه صادر کرده که در قطعنامه ۱۲۶۱ (۱۹۹۹)، از طرفین درگیر درخواست می‌کند به کارگیری کودکان سرباز در مخاصمات را خاتمه دهند.

همچنین قطعنامه ۱۴۶۰ (۲۰۰۳)، در مقدمه به منع سربازگیری از میان کودکان زیر ۱۵ سال اشاره دارد که در اساسنامه رم ذکر شده و شرکت دادن فعالانه کودکان در مخاصمات مسلحانه را منع می‌کند و از کشورها می‌خواهد حقوق بشردوستانه، به ویژه کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، را رعایت کنند.

بنابراین با توجه به تلاش‌های جامعه جهانی که از سال ۱۹۹۷ تا کنون تمرکز خود را

1- Rome statute of international criminal court(17june 1998)(un.org)

در راستای افزایش سن سربازگیری کودکان قرار داده است به نظر می‌رسد هیچ‌ده سالگی سنی است که کمتر از آن نباید کودکان را در مخاصمات مسلحانه درگیر کرد.

### ۳- حداقل سن کار

در خصوص حداقل سن کار کودکان می‌توان به دو مقاله نامه ۱۳۸ مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۷۳ و مقاله نامه ۱۸۲ مصوب ۱۷ ژوئن ۱۹۹۹ سازمان جهانی کار<sup>۱</sup> اشاره کرد: ماده یک مقاله نامه ۱۳۸ کشورها را ملزم به تعیین حداقل سن کار برای کودکان کرده و در بند یک ماده دو معتقد است حداقل سن تعیین شده از جانب کشورهای عضو نباید کمتر از ۱۵ سال باشد؛ البته در بند چهار، به شرط اتمام تحصیلات اجباری، کودکان سن ۱۴ سال را نیز اجازه می‌دهد.<sup>۲</sup>

ماده سه نیز در صورت سخت بودن ماهیت کار و آسیب به سلامت و بهداشت ایمنی یا اخلاقی کودکان، ۱۸ سال را ملاک قرار داده است و در بند سه به شرط حفظ سلامت ایمنی و اصول اخلاقی، ۱۶ سال را نیز ممکن می‌داند.

این مقاله نامه در ماده هفت بیان می‌دارد: کشورها ممکن است به افراد ۱۳ تا ۱۵ سال، اذن اشتغال بدهند که این مسأله باید با رعایت دو شرط انجام شود: حفظ سلامت کودکان و عدم لطمه به آموزش آنها. همچنین مقاله نامه ۱۸۲ در ماده دو خود به طور کلی بدترین اشکال کار را برای اشخاص زیر ۱۸ سال ممنوع می‌داند که بدترین اشکال کار در ماده سه احصا شده است.<sup>۳</sup> بنابراین می‌توان دو معیار ۱۵ و ۱۸ سال را برای سن اشتغال کودکان در نظر گرفت که معیار اول در صورت سبک بودن کار و معیار دوم برای کارهای سخت و زیان‌آور است.

1-ilo

2- convention concerning minimum age for administrator employment (26june 1973) (ilo.org)

3- convention 182,Geneva,17june 1999(ilo.org)

#### ۴- حداقل سن ازدواج کودک

کنوانسیون مربوط به ازدواج با رضایت، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها مصوب هفت نوامبر ۱۹۶۲، سن خاصی را برای ازدواج تعیین نکرده و صرفاً در ماده دو کشورها را ملزم می‌کند که اقدامات قانونی لازم را جهت تعیین حداقل سن ازدواج انجام دهند و ازدواج هیچ فردی را کمتر از این سن نباید به طور قانونی و به وسیله هیچ فردی به ثبت برسانند.<sup>۱</sup> پس از آن، مجمع عمومی سازمان ملل متحد طی قطعنامه‌ای با عنوان توصیه درباره رضایت با ازدواج، حداقل سن برای ازدواج و ثبت ازدواج‌ها را در اول نوامبر ۱۹۶۵ در اصل دوم خود مورد تأکید قرار می‌دهد و بیان می‌دارد که تعیین حداقل سن برای ازدواج در هر حال نباید کمتر از ۱۵ سال باشد؛ این یک معیار منطقی برای تعیین حداقل سن ازدواج است.<sup>۲</sup>

#### یافته‌های پژوهش

- ۱- با توجه به اصل حاکمیت اراده و در نظر داشتن تفاوت‌های فرهنگی، دینی و قانونگذاری کشورها و نیز بررسی اسناد مربوط در مورد سن کودک به نظر می‌رسد اصل بر آزادی کشورها در تعیین سن کودک است. لیکن به منظور یکپارچگی و جلوگیری از سوءاستفاده کشورها در راستای رعایت مصلحت و غبطه کودکان، تعیین یک معیار مشخص هر چند دشوار لازم و ضروری است.
- ۲- کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، هیجده سالگی را به عنوان سن کودک ملاک عمل قرار داده و در بسیاری از موارد از جمله شرکت در مخاصمات مسلحانه و سن مسئولیت کیفری و... کشورها را محدود و ملزم به اجرای مفاد کنوانسیون می‌کند.
- ۳- استفاده از معیار ۱۸ سالگی با توجه به تجمع بیش از یک چهارم کودکان جهان در کشورهای اسلامی و عدم توجه به معیار سنی آنها امری ناپسند است که اهداف جامعه جهانی در مورد کودکان را پوشش نمی‌دهد.

1- Convention on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages (7 November 1962)(un.org)

2- Recommendation on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages (1 November 1965) (un.org)

۴- عمده‌ترین دلیل تفاوت آرای فقها با موضع کنوانسیون در رابطه با تعیین سن کودک، این است که فقها در تعیین مفهوم سن کودک به بلوغ توجه داشته‌اند؛ در حالی که در اسناد بین‌المللی تنها معیار برای تعیین سن کودک را، رشد دانسته‌اند که اصطلاحی کاملاً متفاوت از بلوغ محسوب می‌گردد.

۵- تعیین سن ۱۸ سالگی، استقلال و حاکمیت اراده کشورها را مخدوش نمی‌کند؛ زیرا اگر کشورهای عضو بخواهند، می‌توانند با اعمال حق شرط، عدم رضایت خود را از برخی مواد اعلام نمایند؛ هر چند در اسناد بین‌المللی حق شرط بر برخی مواد ممنوع اعلام شده است.

۶- اسناد مذکور با در نظر داشتن منفعت عالیه کودک و حمایت از وی با بیان اصول کلی و استثناهایی که به برخی از آن‌ها اشاره شد، به دنبال ایجاد استانداردهایی قانونی هستند که به صورت مدون بتوانند در اختیار همه کشورهای جامعه جهانی قرار گیرند و الگوی مفیدی باشند در سیاست‌گذاری‌ها و خط مشی‌های تعیین شده برای حقوق کودک. با این حال، در بند ۲ ماده (۷۷) پروتکل الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و همچنین بند ۲ ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی به آن در همان سال، ۱۵ سالگی به عنوان سن شرکت در مخاصمات مسلحانه ملاک قرار گرفته است. در بند ۱ ماده ۲ مقاوله نامه ۱۳۸ سازمان جهانی کار مصوب ۱۹۷۳ در مورد مشاغل ساده نیز همین سن مورد توجه قرار گرفته است. این مسأله نشان می‌دهد که رعایت ۱۸ سالگی در تمام شقوق حمایتی از کودکان لازم نخواهد بود و در پاره ای موارد اکتفا به ۱۵ سالگی نیز می‌تواند هدف جامعه بین‌الملل را در مورد حمایت از کودکان جامه عمل بپوشاند.

۷- سن کودک در حقوق بین‌الملل به عنوان یک مسأله حساس دارای پیچیدگی‌هایی است که تصمیم‌گیری در مورد آن را سخت می‌کند و تعیین سن خاص به عنوان معیار کلی در مورد کودک، شاید در نگاه اول ساده به نظر برسد، اما با در نظر داشتن همه جوانب امر باید گفت: قضاوت در مورد مسأله سن، توجه به سه اصل مهم را لازم می‌نماید:

اول - آزادی کشورها در تعیین سن کودک؛

دوم - معیار ۱۸ سال به عنوان یک الگو برای کشورهایایی که سن کودک را تعیین نکرده‌اند یا در مورد آن سکوت کرده‌اند؛

سوم - این آزادی همواره ممکن است با محدودیت‌هایی مواجه شود.



## منابع و مأخذ

- ❖ اربابیان، شبیم، «ممنوعیت استخدام و بکارگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه»، ۱۳۹۱، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، تهران، دبیرخانه کمیته ملی حقوق بشر، شماره ۳
- ❖ اسلامی، علی، ترجمه تحریرالوسیله حضرت امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸، قم، انتشارات اسلامی و وابسته به حوزه علمیه قم، چاپ اول
- ❖ انصاری، قدرت اله، احکام و حقوق کودکان در اسلام، ۱۳۹۲، قم، انتشارات مرکز فقهی ائمه اطهار، چاپ اول
- ❖ پیوندی، غلامرضا، حقوق کودک، ۱۳۹۰، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول
- ❖ جزیری، عبدالرحمان، الفقه علی المذاهب الاربعه، ۱۴۰۴ هـ استانبول
- ❖ جعفری لنگرودی، جعفر، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۸۸، تهران، نشر گنج دانش
- ❖ حسینی، هاله و حوریه اکبرنژاد، تحلیل کنوانسیون حقوق کودک، ۱۳۹۲، تهران، نشر روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان خانواده، چاپ اول
- ❖ حلی، جعفر بن حسن، شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ۱۴۰۸ هـ قم
- ❖ خوئی، ابوالقاسم، منهاج الصالحین، ۱۳۹۷، نجف
- ❖ داشاب، مهریار، کودکان سرباز، ۱۳۸۶، مجموعه مقالات همایش حقوق کودک، تهران، نشر گرایش، چاپ اول
- ❖ زحیلی، وهبه مصطفی، الفقه الاسلامی و ادلته، ۱۴۰۹ هـ دمشق
- ❖ سبحانی، جعفر، البلوغ والتلیه رساله فی تأثیرالزمان و المكان الی استنباط الاحکام، ۱۴۱۸ هـ قم
- ❖ سیاه رستمی، هاجر، ترجمه حقوق بین‌الملل بشردوستانه ناظر بر حمایت از افراد در درگیری‌های مسلحانه، ۱۳۹۰، تهران، مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال ایران، چاپ اول
- ❖ صفایی، حسین، مرتضی قاسم‌زاده، اشخاص و محجورین، ۱۳۷۵، تهران، نشر میزان

#### چاپ چهارم

- ❖ عمید، حسن، **فرهنگ فارسی عمید**، ۱۳۸۸، تهران، انتشارات فرهنگ نما، چاپ اول
- ❖ لباف، فریبا، **حقوق فرزندان از نظر قرآن و سنت**، ۱۳۸۵، تهران، انتشارات زهد، چاپ اول
- ❖ مصفا، نسرین و داور، زهرا، **میثاق حقوق کودک در اسلام از منظر حقوق بشر و دوستانه بین‌المللی**، ۱۳۹۰، تهران، شهر دانش، چاپ اول
- ❖ مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار استاد مطهری**، ۱۳۷۲، تهران، انتشارات صدرا
- ❖ موسوی خمینی، روح الله، **تحریر الوسیله**، ۱۳۶۳، قم
- ❖ نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام**، ۱۴۱۴ هـ بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم

- ❖ Greenbaum, C,(2006) protection *of children during armed political conflict*, North America, Antwerpen- Axford
- ❖ Martin, E,(2006) **A dictionary of law** , Newyork, Axford paper back
- ❖ **convention on the rights of the child** (20november 1989)(www. un. org)
- ❖ **convention concerning minimum age for administrator employment** (26june 1973)(ilo. org)
- ❖ **convention 182, Geneva, 17june 1999** (ilo. org)
- ❖ **Convention on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages** (7 November 1962)(un. org)
- ❖ **International covenant on civil and political rights** (16december 1966) (un. org)
- ❖ **optional protocol to the convention on the rights of the child on the involvement of children in armed conflict** (25 May 2000) (un. org)
- ❖ **Rome statute of international criminal court** (17june 1998) (un. org)
- ❖ **Recommendation on Consent to Marriage, Minimum Age for Marriage and Registration of Marriages** (1 November 1965) (un. org)

- ❖ **United nations rules for the protection of juveniles deprived of their liberty** (14december 1990) (un. org)
- ❖ **United Nations standard minimum rules for the administration of juvenile justice** (29november 1985) (un. org)

